

موسیقی ملی ایران

آنچه را که، بحق، میتوان موسیقی ملی ایران نامید، یادگار و وارث گذشته‌های دور است که با اینحال هنری معتبر و اصیل مانده است. این موسیقی سابقه‌های پرمعجزا و درخشان دارد، بر قرن‌های متوالی و سرزمین‌های وسیع چیره گشته و موجودیت خود را در برابر گذشت زمان و فراز و نشیب روزگار، با اندک تغییراتی، حفظ کرده و ادامه داده است.

ناجائی که تاریخ کشور ما بخاطر می‌آورد، موسیقی پیوسته با مظاهر مختلف زندگی روابطی ناگسستی داشته، از عوامل لاینفک و اساسی مراسم مذهبی و جنگی و اجتماعی بطور کلی بوده، بشاعران و هنرمندان الهام بخشیده و جا و مقامی پرافتخار و احترام داشته است.

در این مختصر، ما را قصد و مجال آن نیست که باصل و نسب دور دست و مقدماتی موسیقی ملی ایران برگردیم یا باصل احتمالی واحد و مشترک آن با موسیقی هند پیردازیم و با از فریب‌هایی که این موسیقی را سفر کرده که نسل چین و ژاپن می‌شمارند سخن گوئیم. آنچه مسلمست اینکه از زمانی که تمدن و فرهنگی ایران پدید آمده، موسیقی ایرانی مشخص وجود داشته که دامنه اهمیت فنی و تاریخی آن محدود محدود «علی» نمی‌انجامیده. در اهمیت این مطلب همین نکته بس که متخصصان موسیقی باستانی یونان (که ازیر حاصل‌ترین و عظیم‌ترین محصولات هنری و فکری بشریت بحساب می‌آید و از بسیاری جهات از ارکان تمدن موسیقی مغرب زمین تلقی می‌شود) بیش از پیش ریشه‌هایی از آنرا در موسیقی ایران می‌جویند.

تاریخ موسیقی ایران، همچون تاریخ کشورها، بدو دوره مشخص پیش و پس از اسلام قابل تقسیم است. از آثار دوره پیش از اسلام آنچه برای تحقیقات تاریخی و فنی سند و راهنمایی بشمار می‌آید عبارتست از نقوش و متون و نوشته‌های مورخان و شواهد تاریخی. حداقلی که از این آثار بر می‌آید اینست که موسیقی در ایران باستان اهمیت و رواجی فوق‌العاده داشته، مقامی بس والا اشغال مینموده و موسیقی‌دانان طبقه اجتماعی محترم و متفنگی‌ها را تشکیل میدادند. ولی در این میان رسالات و نوشته‌هایی که نوع و خصوصیات فنی موسیقی معمول را، صورتی فنی و دقیق، آشکار سازد، از قبیل آنچه که فی‌المثل درباره موسیقی هند و یونان بیادگار مانده، متأسفانه بدست نیامده است. اصولاً چنین بنظر می‌رسد که جنبه علمی و نظری موسیقی، در ایران پیش از اسلام، چندان مورد توجه نبوده است.

اما در عوض، از همان نخستین قرن‌های پس از اسلام، نویسندگان ایرانی آثار و نوشته‌های فنی بسیار جالب و پرمایه‌ای دربارهٔ موسیقی بدست داده‌اند. جنبهٔ علمی و فیزیکی و نسبت فواصل و پرده‌های موسیقی، از مسائلی است که توجه دانشمندان ایرانی تمدن اسلامی را چون دانشمندان یونان باستان، بخود معطوف داشته است. نوشته‌های حکمای چون فارابی، ابن سینا، صفی‌الدین ارموی و عبدالقادر مراغی - که موسیقی دانانی دانشمند بوده و رسالاتی دربارهٔ موسیقی فارسی و عربی نوشته‌اند - نه فقط اطلاعات فنی ذیقیمی در بارهٔ موسیقی ده‌قرن اول اسلامی بدست داده است بلکه در عین حال، بطور غیر مستقیم، بگذشته نیز راهی گشوده و در سایهٔ تحقیقات متخصصان، پردهٔ ابهام را در بسیاری موارد از روی خصوصیات فنی موسیقی پیش از اسلام بیکسو زده است.

مهمترین استنتاجات علمی که، صورتی مستند، از مطالب رسالات مزبور میتوان کرد، منجمله، اینست که موسیقی ملی ایران، بهمان صورتی که بما رسیده است، از لحاظ پایه و اساس فنی هنری اصیل است که در ملی قرون متناهی اساسش کمتر دستخوش تحریف و تغییر گشته است؛ و درحقیقت موسیقی‌ای که معمولاً شرقی خوانده میشود (یعنی موسیقی ملل خاورمیانه، قسمتی از هند، شمال آفریقا و حتی قسمتی از آسیای) و در تشکیل فرهنگ موسیقی غربی نقش بسزا داشته‌است، احتمالاً اصل و ریشه‌های ایرانی دارد.

با توجه بدانچه گذشت موسیقی ملی ایران را نباید بدیدهٔ تحقیر نگریست و ناچیز انگاشت. اگر قدرت و وسائل بیان آن بستی گزاینده باید در احیا و رستاخیز آن کوشید تا اینکه بکسره محکوم بزوالش شمرده و از این نحو لاینفک فرهنگ و تمدن ملی چشم پوشید، بالاقل پیش از اینکه بسحکومیش‌دای دهیم بکوشیم تا آنرا بشناسیم ...

خصوصیات و صفات مشخصهٔ موسیقی ملی ایران بطور کلی، در فواصل صوتی، گامها و مقامها و اوزان آنست که آنرا از موسیقی‌های غربی متمایز میسازد. ولی موسیقی ملی ایران را نباید جزء واحد و لاینجزائی انگاشت؛ چه با سوه تفاهات و تضادها و سخن-پردازی‌های بیهوده و خفله که از خفلیت لزا این حقیقت سرچشمه گرفته است ...

بر روی خصوصیات که ذکرش رفت و در حقیقت پایهٔ موسیقی ملی ایران را تشکیل می‌دهد - انواع و سبک‌هایی مختلف پدیدار گشته‌اند که هر کدام معرف و مبین قسمتی از روح و احساسات و عوالم درونی ملت ایرانست. بطور کلی موسیقی ملی ایران را میتوان متشکل از دو نوع و قسم متفاوت و متمایز شمرده: موسیقی کلاسیک ایران که از آوازه‌ها و دستگاههای موسیقی ملی تشکیل میشود و موسیقی عامیانه که اجتماع ترانه‌های محلی و عامیانه میباشد.

هر کدام از انواع دو گانهٔ مزبور، محصول و معمول طبقه و اجتماع خاص از ملت ایرانست. اختلاف این انواع دو گانه، اختلافیست که در میان هر نوع کلاسیک از طرفی و نوع عامیانه از طرف دیگر در هر هنری موجود بوده و هست، همان اختلافیست که، میتوان گفت، گلستان سعدی را از کتاب حسین کرد جدا میسازد ... ولی این دو نوع متفاوت، از راه مقامها و فواصل صوتی مشترک، که تجلی روح ملی ایرانی در موسیقی است، بهم وابسته‌اند و پایه‌های مشترک و واحد دارند.

نوع اول، یعنی موسیقی کلاسیک ایران و آوازه‌ها و دستگاه‌ها با ظاهر بداهه‌سرائی - یا بداهه‌نوازی - های آزاد است که بر روی یکی از مقامات موسیقی ملی عمل میشود. در این موسیقی خلاق و مجری - آهنگساز و نوازنده - یکن بیش نیست ولی این بداهه‌سرائی چندان هم آزاد نیست؛ اجرای این موسیقی مستلزم بنابر سبب فرارادها و قوانینی است که هنر و تعقیب موسیقی‌دان فقط در حدود آن میتواند آزادانه اوج بگیرد. در این نوع موسیقی، مسیر نغمه و بداهه‌سرائی، تا حد زیادی، پیشاپیش تعیین شده است؛ گردش بر محور یکی از اصوات، توقف بر روی صوتی دیگر، گذر از «گوشه‌ای به گوشه‌ای»، همه اینها بقرار - دادها و سنت‌هایی مستحکم و ایستاده که در طی سالهای متعددی تثبیت شده و روح ملی آنها را پذیرفته است تا جایی که برای موسیقی‌دانان حکم احساس غریزی پیدا کرده است.

این موسیقی، برای کسانی که بدان خوبی گرفته‌اند، حالتی خیال انگیز، عمیق و اندوهگین دارد، اما این حالت با اصطلاح اندوهگین ارتباطی با مقامات اساسی آن ندارد و بلکه بیشتر مربوط به حالت وسیک اجرای آنست؛ چه با ترانه‌های محلی و عامیانه مسرت - انگیز و پر جنب و جوش که بر روی همان مقامها ساخته شده است. بقول یک موسیقی‌شناس اروپایی: «طرز و سبک اجرای دستگاه‌های موسیقی شرقی [و ایرانی] تجلی روح و طبع عارفانه و صوفی‌منش آن ملل است و نه اقتضای خصوصیات فنی موسیقی آنان ...»

یکی دیگر از خصوصیات موسیقی کلاسیک ملی ایران تنوع و فراوانی اوزان است که از فرط غنا و توانگری در حدود محدود میزان‌های معمولی مقیدشان نمیتوان ساخت. اصطلاح «موسیقی بر ضرب» که در مورد این موسیقی معمول است اشاره همین معنی است و نه دلیل بر قف وزن موسیقی.

موسیقی ملی کلاسیک ایران، در حالت اصلی خود، یک هنر انفرادی و موسیقی «سولیت» است، بیان راز و نیاز می‌کند که در محور چند نوت محدود دور میزند و بسط و پرورش می‌یابد ولی در این میان، از این فاصله محدود، حداکثر استفاده برای بیان احساس بعمل می‌آید. این موسیقی با همه مظاهر طبع و هنر کلاسیک ایران پیوندی بازر دارد و از آن جدا نیست.

امام موسیقی علمایه ملی ایران، که نوع دیگر موسیقی ملی ایران است، چهره و حالتی دیگر گونه دارد. شرح و تحلیل آن در مقاله شماره آینده خواهد آمد.

دکتر ز. هاگوپیان

رساله جامع علوم انسانی



زنان چنگ‌نواز در بار خسرو پرویز
در یک کشتی پارویی
از نقش‌های طاقستان